

است و مَلِک الشعراء بهار در مقدمه خود بر این کتاب، شرح حال مفصلی را از مرحوم صبا، ارائه داده است. نسخه‌های ارزشمندی از این کتاب، در کتابخانه مَلِک (ش ۵۱۱۶) و کتابخانه دانشگاه تهران (ش ۴۶۰۴)، موجود می‌باشد.

دکتر رضازاده شفق (م ۱۳۵۰ ش) گفته است: «صبا را باید از زنده کنندگان سبک پیشینیان بشمار آورد...» (تاریخ ادبیات ایران، ۳۵۷). رضا قلی خان هدایت (م ۱۲۸۸ ق) در ریاض العارفین (ص ۲۶۲) از وی با القابی چون: سلطان البُلغاء، أَفْصَحُ الْمُتَأَخَّرِینَ و المُعاصِرِینَ و... یاد کرده و می‌گوید: «... قُرْبِ هَفْتَصَد سال است که چنین سخن گسترتری در گیتی نیامده و جمعی از ارباب انصاف، مثنوی (شهنشاه نامه) وی را بر مثنوی (شاهنامه) حکیم فردوسی ترجیح می‌دهند... غرض، وی مَلِک الشعراء بالاستحقاق این عصر است و فقیر (=رضا قلی هدایت) را به قوت طبع و پختگی اشعار آن جناب، کمال اعتقاد می‌باشد».

مَلِک الشعراء بهار (م ۱۳۳۰ ش) نیز، در مقدمه خود بر گلشن صبا می‌گوید: «...بهترین اشعار صبا، نامه گلشن صبا است؛ ... چون در گلشن صبا، پیروی از استاد سخن، سعدی، کرده است، شعر او ساده و روان و فصیح می‌باشد...». ادوارد براون (مُتَشَرِّقِ انگلیسی - م ۱۹۲۶ م) نیز در مورد او چنین گفته است: «... صبا چون بیشتر، مَدْحی است، کمتر ما (انگلیسی‌ها!!!) را پسند می‌افتد! اما بسیار خوش آهنگ و عَذْبُ البیان (= شیرین سخن) است» (تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ترجمه یاسمی، ص ۱۹۹ - ۲۰۰). (نیز صبا، دایرة المعارف تشیع، ۲۶۴۱۰؛ و نیز صفاحت و بلاغت، دایرة المعارف تشیع، ۳۲۰۱۱۲).

منابع: جز آنچه در متن آمده است؛ اثر آفرینان، زیر نظر دکتر نواشی، ۲۲۱۳؛ تاریخ ادبیات، شفق، ۳۵۷؛ ریاض العارفین، رضاقلی خان هدایت، ۲۶۲؛ السدریة، آقابزرگ طهرانی، ۲۲۸/۱۸ و ۵۲۹/۹؛ دایرة المعارف فارسی، مُصاعب، ۱۵۵۲/۲؛ فهرست کتابخانه سپهسالار، ۶۲۶/۲؛ قاموس الاعلام، سامی، ۲۹۳/۱۴؛ لغتنامه دهخدا، ۱۴۸۳۹/۱۰؛ مجمع النسخاء، هدایت، ۵۷۲/۵ - ۶۳۷؛ مستدرکات التدریج، ۲۰۷/۷.

سید احمد سجادی

گلشن علی جَوْنپوری (۱۱۱۷ - ۱۲۰۰ ق)، نامبرده فرزند شیخ عطاءالله جَوْنپوری و نژادش از قبیله انصار بلاد عرب بود، یکی از اجدادش از بلاد عرب به جَوْنپور - در شمال هند - آمده و متوطن شده است. شیخ گلشن علی تحصیلات فارسی را از محضر پدر و صرف و نحو را از اساتید وقت و نیز خطوط ثلث و

جایزه برده‌ن او گذاشت و نوازشهای دیگر نمود و او را به شیراز روانه کرد. گلشن، نسبت شاگردی خود را به مولانا مشرب عامری می‌رساند. در قواعد نظم آگاهی کاملی داشت و صاحب دیوان است. مردی آهسته و نافع و خوش اخلاق و مطبوع طباع خاص و عام بود. قصایدی در مدح ائمه اطهار (ع) گفته و دوازده بند یکی بر نظم قوافی و ردیف محتشم و دیگری بر قوافی دیگر سروده است.

گلشن ۴ پسر داشت. پسر اول او حاجی میرزا محب علی، که مردی فاضل و محدث بود و بیشتر ایام را در اماکن متبرکه زیست و روزگار را به وعظ و به پایان برد. پسر دوم او محمد تقی یا میرزا علی اکبر متخلص به ندیم، که ادیب و شاعر بوده و صاحب فارسنامه او را سخبان زمان و حسان دوران خوانده است، پسر سوم او حبیب‌الله میرزا حبیب قاننی شاعر معروف و قصیده سرای قرن سیزدهم بوده، پسر چهارم میرزا عبدالله، که از او شعری دیده نشده است.

منابع: انجمنهای ادبی شیراز، ۹۲؛ حدیقه الشعراء، ۱۴۷۸/۲؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ۲۶۷/۴؛ سفینه محمود، ۲۷۲/۱؛ شرح حال رجال ایران، ۴۵۸/۳؛ طریق الحقایق ۱۳ ۸۹۲؛ فارسنامه ناصری، ۱۱۲۶/۲؛ مجمع النسخاء، ۸۹۳/۵؛ مرآت الفصاحه، ۵۳۲؛ مکارم الآثار، ۷۴۵/۳؛ بیضا، ۲، ۲۴۹.

گلشن صبا، عنوان کتابی ادبی به سبک گلستان سعدی، از مرحوم فتحعلی خان صبا (م ۱۲۳۸ ق)، ملقب به «مَلِک الشعراء» و از مَقْرَبان مرحوم فتح علی شاه قاجار، که آن را در اندرز به فرزند خود نوشته است. این کتاب ارزشمند، یکی از شاهکارهای دوره بازگشت ادبی بوده، که سخت مورد حمله غریزدگان و روشنفکر نمایان، و حسادت و عناد بی بهرگان از فن ادب سُنتی پاریسی سُرُزَن به عربی، قرار گرفته؛ همچنان که اصل نهضت شکوهمند «بازگشت ادبی» با کینه توزی و غرض ورزی این ناهلان مواجه گشته است. بنابراین، متأسفانه آن طور که لایق است، این اثر نفیس و نظایر آن، به پاریسی زبانان عرضه و معرفی نشده است. در اینجا، به نحو مختصر، به شرحی پیرامون هویت این کتاب فراموش شده، پرداخته می‌شود. اولین بیت این کتاب، در توحید باری تعالی چنین است:

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

به نام خداوند هوش آفرین

دو گوش نصیحت نیوش آفرین!

این کتاب ارزشمند در ۱۳۰۸ و ۱۳۱۳ ش در تهران - به همت شادروان حشمت الله کوهی کرمانی دهکردی - به چاپ رسیده

yet Garbini has produced cogent arguments to show that the attributes of *ʿlmkh* are rather those of a warrior-deity like Greek Herakles or a vegetation god like Dionysus. (The remarks made in the art. *KATABĀN* on this topic as it affects the situation in *Ķataban* went to press before Garbini's article had appeared; they now need modifying in the light of that article.)

Nevertheless, the moon certainly had much religious significance. A very common symbol engraved on altars and religious buildings shows a crescent embracing a disc. It is presumably this symbol that the Muslim writers had in mind when they say that the first act of the day for an ancient Yemenite king was to "bow down to the images of the sun and moon". This is not to say, of course, that they were right in seeing the disc as representing the sun; some modern scholars have been inclined to think it represents the planet Venus.

The place occupied by the sun in the pantheon is not easy to assess. The Radman folk had as their national patron-deity *s²ms¹* 'lyt "Lofty Sun", and elsewhere there are mentions simply of "Sun" without qualification. But it is dubious whether the majority belief is justified, that numerous references to a feminine deity described simply as "She-who-is-possessed of (*dhāt*)" a certain quality, are necessarily to a solar goddess (too often, the interpretation proposed for the term describing the quality has been dictated by the preconception that it must be a quality of the sun).

Certain of the ancient religious practices have a special interests in that they have survived in some form or another until the present day. Worth mentioning are the communal pilgrimages (*ziyārat*) on prescribed days; a code of ritual purity (see Ryckmans); and a ritualised hunting of the ibex, thought of as connected with the divine blessing of rain (Ryckmans and Serjeant).

4. Saba' in Bible and *Ḳurʿān*. The visit of the Queen of Sheba to king Solomon, and the abundant accretions of legend around it [see *bilḳīs*], have been too extensively discussed to need mention here, except for the remark that there is a possibility that such a visit might have been associated with a trade mission, like the missions to the Assyrian kings (see above). In the *Ḳurʿānic* allusion (XXVII, 27 ff.) the name Saba' does not occur; she is simply "the queen of the south". But Saba' does feature in a passage (XXXIV, 15-16) which is one of those where the fate of ancient peoples is mentioned as a warning against worldly pride. The prosperity of the Mārib oasis (situated on each side of the wadi bed, hence "the garden of the left" and "the garden of the right") had been dependent on the maintenance of the great dam in good order; after the death of king Abraha the political fabric that had made repairs possible crumbled, the irrigation system was destroyed and the oasis was devastated.

5. Sabaeans in Africa. Around the middle of the first millennium B.C., there were Sabaeans also in the Horn of Africa, in the area that later became the realm of Aksum (Eritrea). The evidence consists of only a scanty number of inscriptions, which, however, make it clear that we have to do with genuine Sabaeans, holding to the national cult of *ʿlmkh*. They were mixed up with various non-Sabaeans communities, and it is still much in dispute how one can envisage the actual demographic (and political) situation. There are five places in the Bible where the writer distinguishes *Sheba* (שֶׁבָא) son of *Yoḳṭan* (who appears in the Arab genealogies as *Ḳaṭṭān* [q.v.]), i.e.

the Yemenite Sabaeans, from *Seba* (סֶבָא) son of *Kuṣh*, implying an African habitat. This spelling differentiation, however, may be purely factitious; at all events the indigenous inscriptions make no such difference, and both Yemenite and African Sabaeans are there spelt in exactly the same way.

Bibliography: M.A. Bafaqih, *L'Unification du Yémen antique*, Paris 1990; A.F.L. Beeston, *Habashat and Ahabish*, in *Proc. Seminar for Arabian St.*, xvii (1987), 5-7; G. Garbini, *Il dio sabeo Almaḡah*, in *RSO*, xlviii (1974), 15-22; *The Periplus Maris Erythraei*, text, tr. and comm. by L. Casson, Princeton 1989; J. Pirenne, *La Grèce et Saba*, in *Mém. Acad. des Inscr.*, xv, Paris 1955, 88-196; idem, *Paléographie des inscriptions sud-arabes*, in *Verh. van de koninklijke Vlaamse akademie, kl. der lett.*, xxvi, Brussel 1956; R.B. Serjeant, *The South Arabian hunt*, London 1976; J. Ryckmans, *Les confessions publiques sabéennes, le code sud-arabe de pureté rituelle*, in *AION*, xxxii (1972), 1-15; idem, *La chasse rituelle dans l'Arabie du sud ancienne*, in *Al-Bahit, Festschr. J. Henninger (Studia Inst. Anthropos, 28)*, St Augustin bei Bonn 1976, 259-308; C. Robin, *Les hautes terres du nord-Yémen avant l'Islam*, 2 vols. (*Uitg. van het nederl. hist.-arch. inst. te Istanbul*), Istanbul 1982; H. von Wissmann, *Zur Geschichte und Landeskunde von Alt-Südarabien*, in *Österr. Akad. d. Wiss., philos.-hist. Kl., Sitzungsb.* 246, Wien 1964; idem, *Geschichte von Saba II: das Grossreich der Sabäer*, in *ibid.* 402, Wien 1982.

(A.F.L. BEESTON)

ŠABĀ, FATH ʿALĪ **ḲHĀN**, Persian poet, was born in *Kāshān*, probably in 1179/1765, and died in 1238/1822-3. His people belonged originally to *Ādharbaydjān*, and came from the *Dunbalī* stock, a tribe of Kurds settled in the region of *Ḳhūy*. Members of his family held jobs as governors and administrators under the Zand and *Ḳādjar* rulers. His father, *Ākā Muḡammad*, was governor of *Kāshān* under the Zands, and his eldest brother, *Muḡammad ʿAlī Ḳhān*, was minister to the Zand ruler *Luṭf ʿAlī Ḳhān* (r. 1203-9/1789-94). *Šabā* also seems to have been identified with this monarch, and is reported to have composed poems in his praise. When *Luṭf ʿAlī Ḳhān* fled from *Kirmān* in 1208/1794 from the *Ḳādjar*s, *Šabā*'s brother was captured and put to death by the orders of *Āghā Muḡammad Shāh* (r. 1193-1212/1779-97 [q.v.]), founder of the *Ḳādjar* régime. Following this tragedy, the poet wandered from place to place in fear of his life until he was fortunate to find refuge with *Fath ʿAlī Ḳhān* (afterwards *Fath ʿAlī Shāh*, r. 1212-50/1797-1834 [q.v.]), who was governor-general of *Fārs* at that time. *Šabā* transferred his allegiance to the *Ḳādjar*s, and reportedly destroyed the *diwān* which contained poems composed by him in praise of his former patrons, the Zands.

In 1212/1797, on the occasion of *Fath ʿAlī Shāh*'s accession to the throne, *Šabā* presented a *ḡasīda* which was well received by the new ruler. His fortunes prospered until he was appointed poet-laureate at the court. For some time he was also governor of *Ḳum* and *Kāshān*, and held the honorary title of *Iḡtisāb al-Mamālik* ("Censor of the Provinces"). Eventually, however, he abandoned his administrative assignments to remain permanently at the court. He accompanied the monarch on his various travels and campaigns. It was during one of these campaigns in 1228/1813, involving Persia's hostilities with Russia, that *Šabā*, at the behest of the *Shāh*, undertook the composition of his long epic poem, *Shāhanshāh-nāma* ("Book of the King of Kings").

Šabā died in 1238/1822-3 in *Tehran*. His eldest son, *Mīrzā Ḥusayn Ḳhān* (d. ca. 1264/1848), who

02 OCAK 1995

Saba-yi Kasani

G.S. 1814-87
R.E. 1199
451

Muḡammad, 24

شیر شکار کردن فتحعلی شاه می‌باشد). (فاضل هاشمی)
آغاز: تعالی الله خداوند جهاندار جهان آرا xx کزو شد آشکارا
گل ز خار و گوهر از خارا
چاپ: آقای محمد علی نجاتی آن را چاپ کرده
[دنا ۲۴۷/۵-۲۴۹، نسخه‌های منزوی ۲۴۰۳/۳، مشترک پاکستان ۱۸۲۱/۹،
الذریعة ۵۹۲/۹، مکتبه امیرالمؤمنین ۲۷۵/۱]

۱. تهران؛ ملی؛ شماره نسخه: ۲۶۷۴/۱

آغاز: برابر؛ انجام: نشستم بر سمندی دشت پیمای xx که خرزین
زیبدش ایوان خرچنگ
خط: نستعلیق، بی‌کاه، تا: جمادی الثانی ۱۲۲۲ق؛ افتادگی: وسط؛
کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۴۶۱ص (۱-۴۶۱)، ۱۵ سطر
(۲۱×۱۱)، اندازه: ۳۰×۲۰سم [ف: ۶-۲۴۳]

۲. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۰۱۳

آغاز: بجاه باختر چون یوسف خورشید شد پنهان xx زلیخای
فلک را اشک انجم ریخت بر دامان؛ انجام: تن مو الفشان را امل
پرند آرای xx سرمخالفشان را اجل پرند آور
قصایدی از صبا و کتاب مشرق الانوار پیوسته آن می‌باشد و این
کتاب به سال ۱۲۲۴ نوشته شده و در حدود ۲۵۰۰ بیت می‌باشد و
اهمیت این نسخه از این راه است که شامل مدائح زندیه و لطفعلی
خان می‌باشد؛ بی‌کاه، تا: ۱۲۲۴ق؛ جلد: تیماج، ۲۰۰گ، ۱۴ سطر،
اندازه: ۲۱/۵×۱۵سم [ف: ۳-۲۵۹]

۳. تهران؛ ملک؛ شماره نسخه: ۵۰۶۹

آغاز: گوش دارید ای خداوندان هوش xx تا فشانمتان بکام هوش
نوش؛ انجام: هم ساتر عورت ترا چار دهد xx هم فرزندان زیک
شکم پنج آرد
خط: نستعلیق، بی‌کاه، تا: ۱۲۳۴ق؛ به نظر فتحعلی شاه رسیده است،
با دو سرلوح و مجدول زرین؛ مهر: «نواب حافظ محمد
عبدالحسین خان بهاء الملک رئیس الامراء سراج الممالک، سراج
الدوله سردار جنگ ۱۲۲۵»؛ کاغذ: فسقی، جلد: روغنی، ۲۷۳گ،
۱۷ سطر، اندازه: ۳۰/۱×۲۰/۸سم [ف: ۲-۳۰۵]

۴. تهران؛ دانشگاه؛ شماره نسخه: ۸۸۰۷

خط: نستعلیق، کا: الحضرة السلطانی، تا: ۱۲۴۰ق؛ با سرلوح زرین
و رنگین، مجدول، با سه بند شعر میرزا مهدی خوبی؛ کاغذ:
فرنگی، جلد: روغنی، ۸۶گ، ۲۱ سطر (۱۳×۳۱)، اندازه:
۳۹×۲۶سم [ف: ۱۷-۲۲۵]

۵. تبریز؛ ملی؛ شماره نسخه: ۲۷۳۴

آغاز: برابر؛ انجام: صبا بهر تاریخ آن زد رقم xx که این
آسمانست و آن آفتاب ...
خط: نستعلیق، بی‌کاه، تا: ۱۲۴۴ق؛ مجدول و مذهب، دارای
سرلوحی زیبا؛ کاغذ: فرنگی، جلد: چرمی، ۳۵۲گ، ۲۱-۱۸ سطر،
اندازه: ۳۰×۱۹/۵سم [ف: ۲-۵۹۷]

۶. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۰۱۲

۳۱. قم؛ معصومیه؛ شماره نسخه: ۵۱۵/۳
آغاز: مطلع: افتاد شامگه ز کنار افق نگون xx چون سر بریده از
این طشت واژگون / افکند چرخ مغفر زرین و از شفق xx در
خون کشید دامن خفتان نیلگون / جان امیر بدر و روان شه حنین
xx سالار سروران سر از تن جدا حسین؛ انجام: مقطع: در موقف
حساب «صبحی» چو پانهد xx جایش به سایه علم بوتراب باد
ترکیب‌بندی پیرامون وقایع کربلا؛ بی‌کاه، بی‌تا؛ جلد: تیماج
مشکی، ۳گ (۱۵-۱۷ر)، مختلف السطر (۱۸×۱۰)، اندازه:
۲۰×۱۱سم [ف: ۲-۱۳۸]

۳۲. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۴۳۰۹/۹

آغاز: برابر
قصیده در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام؛ خط: نستعلیق، بی‌کاه،
بی‌تا؛ جلد: تیماج قهوه‌ای، ۳گ (۳۷-۳۹پ)، ۱۵ سطر، اندازه:
۲۱×۱۳سم [ف: ۳۸-۴۴۰]

۳۳. تهران؛ مجلس؛ شماره نسخه: ۱۰۱۵/۲

مراثی امامان، قصاید (در ستایش پیامبر و امامان)، تاریخ بناهای
مقدسه و جز آن، تاریخ وفات حسینقلی خان، ستایش از جعفر
خان زند و جز او، تاریخ مرگ مردان آن روزگار، مرثیه‌ها از
مرگ هاتف و جز آن، مثنوی، قطعات، رباعی، غزلیات به ترتیب
حروف تهجی با تخلص صباحی، رباعیات؛ بی‌کاه، بی‌تا؛ ۲۵ص
(۲۴۶-۲۲۲) [ف: ۳-۲۶۱]

● دیوان صباحیه / ادبیات / فارسی

d.-e sabāhiye

مشهد؛ رضوی؛ شماره نسخه: ۲۶۰۷۷

آغاز: بسمله، چو طاووس مشرق بر آورد سر؛ انجام: مشکین ختام
شراب مشکبو است
خط: نستعلیق خفی، بی‌کاه، بی‌تا [رایانه]

● دیوان صباى کاشانى / شعر / فارسی

d.-e sabā-ye kāshānī

صبا، فتحعلی بن محمد، - ۱۲۳۸ قمری

sabā, fath-'alī ebn-e mohammad (- 1823)
از فتحعلی خان کاشانی متخلص به صبا (-۱۲۳۸ق) ملک
الشعرای دربار فتحعلی شاه قاجار است، که وقایع سلطنت وی و
مختصری از تاریخ نیاکان او را در مدت سه سال در چهل هزار
بیت به نظم در آورده و «شاهنشاه نامه» نام نهاد و دیگر مثنوی‌های
سروده ایشان عبارتند از: ۱. «خلاصه الاحکام» که در احکام سهو
و شک و نماز بیان شده است، ۲. «عبرت‌نامه» برابر تحفة العراقرین
خاقانی انشاء شده است، ۳. «خداوند نامه» در بیان معجزات
حضرت ختمی مرتبت (ص) و غیره، ۴. «گلشن صبا» در مواعظ
و نصایح، ۵. لیلی و مجنون، ۶. هفت پیکر، ۷. شکارستان (داستان

فرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا)؛ جلد پانزدهم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران: سازمان

DIA 276253

اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱/۲۰۱۲